

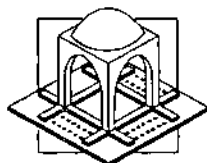
تقدیم به روان پاک استاد گرانمایه
مرحوم دکتر محمد کریم پیرنیا

نقدی کوتاه بر کتاب سبک شناسی معماری ایرانی

(تألیف دکتر محمد کریم پیرنیا، تدوین دکتر غلامحسین معماریان)

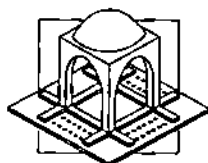
نوشته

حسین سلطان زاده



انتشارات چهارطاق

تهران - ۱۳۹۱



انتشارات چهارطاق

نقدی کوتاه بر کتاب سبک شناسی معماری ایرانی

نوشته

دکتر حسین سلطان زاده

(دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی)

صفحه آرایی: با همکاری زهرا مساوات

• لیتوگرافی: طاووس رایانه • چاپ و صحافی: معراج • چاپ اول ۱۳۹۱ • شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
بها: ۶۸۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است و هرگونه تقلید و استفاده از این اثر به هر شکل بدون اجازه کتبی ناشر
ممنوع است.

ISBN: 978-600-92992-4-9

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۹۹۲-۴-۹

سلطان زاده، حسین، ۱۳۲۵.
نقدی کوتاه بر کتاب سبک شناسی معماری ایرانی، (تألیف محمدکریم پیرنیا، تدوین غلامحسین معماریان)
نوشته حسین سلطان زاده
تهران: چهارطاق، ۱۳۹۱.
۱۵۰ ص: مصور، جدول.

ISBN: 978-600-92992-4-9

A Brief Critique on the Book of "Stylistics of Iranian Architecture" : ۶۸۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

سبک شناسی معماری ایرانی، پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۷۶-۱۳۰۱، سبک شناسی معماری ایرانی - نقد و
تفسیر معماری - ایران - تاریخ - معماری اسلامی - ایران - معماریان، غلامحسین، ۱۳۳۹.
پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۷۶-۱۳۰۱، سبک شناسی معماری ایرانی

۱۳۹۱ ۲۰۸۵ س ۹۴ ب / ۱۴۸۰

۷۲۰/۹۵۵

کتابخانه ملی ایران ۲۹۶۷۵۵۲

مرکز پخش: انتشارات پیام

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۳۱۶، تلفن: ۶۶۴۶۸۳۵۱-۶۶۴۰۹۵۳۱

پیشگفتار..... ۵

مقدمه مؤلف..... ۷

۱. بررسی و نقد کوتاه اصول معماری ایران..... ۱۳

۱.۱. مردم‌واری..... ۱۴

۱.۲. پرهیز از بیهودگی..... ۱۵

۱.۳. نیارش..... ۱۹

۱.۴. خودبسندگی..... ۲۰

۱.۵. درون‌گرایی..... ۲۳

۲. بررسی و نقد کوتاه شیوه‌های معماری ایران..... ۳۰

۲.۱. شیوه پارسی..... ۳۳

۲.۲. شیوه پارتی..... ۴۰

۲.۳. شیوه خراسانی..... ۴۳

۲.۴. شیوه رازی..... ۴۵

۲.۵. شیوه آذری..... ۴۸

۲.۶. شیوه اصفهانی..... ۵۲

۳. پیوست‌ها..... ۵۹

۳.۱. شیوه‌های معماری ایران تألیف استاد پیرنیا..... ۶۰

۳.۲. مصاحبه مجله آبادی با استاد در سال ۱۳۷۴..... ۸۳

۳.۳. مصاحبه مجله آبادی با مؤلف در سال ۱۳۷۴..... ۸۸

۳.۴. جدول شرح زندگی و برخی از فعالیت‌های استاد..... ۹۸

- ۵.۳ بخشی از مقاله «استاد پیرنیا و برخی از فعالیت‌های معماری او»
 ۱۰۶
- ۶.۳ مقاله «دکتر محمدکریم پیرنیا» نوشته مؤلف ۱۱۳
- ۷.۳ فضاهای درون‌گرا و برون‌گرا یا فضاهای یک‌سویه و دوسویه ۱۱۹
- (نقش جغرافیا در شکل‌گیری حیاط در خانه‌های سنتی ایران)

فهرست منابع و مراجع

www.ketabonline.ir

پیشگفتار

نقد معماری

دوست ارجمند و فرهیخته‌ام، جناب آقای دکتر حسین سلطان‌زاده سرانجام دل به دریا زد و طلسم نقد معماری را شکست. در دوره‌ای که نقد معماری خود چالش برانگیز است. شاید انگیزه، تشویق دوستان در نکوداشتی بود که شهر یورماد جاری [۱۳۹۰] برای استاد محمدرکیم پیرنیا در تهران برگزار شد و سخنان روشنگرانه ایشان، روال معمول نکوداشت‌ها را تغییر داد. پیش از این در اوایل سال ۱۳۸۹، دکتر سلطان‌زاده و چند نفر از شاگردان و بستگان استاد بر آن شدند که با حمایت انجمن، نهادی فرهنگی برای حفظ و تداوم جریانات فکری استاد تشکیل دهند تا پیرنیا در حافظه تخصصی جامعه باقی بماند. به دلایلی در آن زمان اینکار قوام نگرفت. انتشار این کتاب، اما می‌تواند بخشی از اهداف آن نهاد باشد و دست‌مایه‌ای برای پژوهشگران معماری سنتی ایرانی.

از جانب دیگر ایجاد فضای گفتگو در محیطی به دور از تعصبات و دلباخته‌گی، از پیرایه‌هایی که به عقاید و آراء استاد پیرنیا بسته شده است، خواهد کاست.

بررسی نظرات و نقد عقاید معماران ایرانی، در غیاب تاریخ شفاهی مدون معماری و شهرسازی ایران همواره از دغدغه‌های نویسندگان و منتقدان بوده است. می‌شود این را از میزان احترام و حرمت‌شناسی ایرانیان دانست. اما گاه رعایت این اصول را از مسیر مناسب و مؤثر دور کرده است، به گونه‌ای که در نبود صاحبان آن عقیده و برای ترجمان باورهای آنان، دچار مشکلات عدیده شده‌اند.

هم‌اکنون هم اگر پای صحبت اندیشمندان نشسته و آن را به زمان خود ضبط و ثبت کنیم، بعید نیست، بعدها دچار افسانه زدگی شویم.

جای خوشوقتی است که در حد امکان، از استاد پیرنیا سخن و نظریات مستند تهیه شده و چنانچه در حوزه تفکر ایشان، نقاط ابهام و ابهام وجود داشته باشد، با استناد به مدارک،

رفع مشکل خواهد شد.

مناسبت دارد به همین جهت از دوست تلاشگرم جناب آقای حمید سهیلی مستندنگار معماری ایران و جناب آقای دکتر غلامحسین معماریان که با همتی مستمر کار جمع‌آوری و انتشار نظریات و سخنان استاد را در طول دو دهه به انجام رسانیده‌اند، تشکر و قدردانی گردد. کاری که استاد پیرنیا در طول عمر پربارش برای کشف راز و رمز معماری ایران انجام داد، امروزه به همت مستندنگاران و شاگردان ایشان در مورد آثار و عقاید استاد، امکان پذیر شده است.

امید آن که انتشار کتاب حاضر، بخشی از آرزوهای استاد پیرنیا و دلسوختگان معماری سنتی ایران را جامه عمل بپوشاند و آغاز راهی باشد برای ناقدان و مؤلفان ادبیات معماری ایران که در فضایی عاقبت‌سوز، نسل‌های جوان و تشنه معماری ایران را از سرچشمه زلال فرهنگ این مرز و بوم سیراب کنند.

سیدعلیرضا قهاری

انجمن مفاخر معماری ایران

مقدمه مؤلف

مرحوم استاد پیرنیا همانند برخی دیگر از اندیشمندان ایرانی که در دهه‌های چهل و پنجاه در عرصه تخصصی خود توانستند یافته‌های خود را به دانشجویانشان و جامعه علمی به گونه‌ای رسا و جذاب ارائه کنند و در فضایی که نسبت به بعضی از دانش‌ها و هنرهای ایرانی به شکل آکادمیک و دانشگاهی توجه کافی صورت نمی‌گرفت و نوعی غرب‌گرایی فضای علمی کشور را تحت تأثیر قرار داده بود، با نگاه و رویکردی نو و همراه با عشق و شور به این سرزمین و مردم آن، توجه همه یا برخی از متخصصان و دانشجویان را به دانش و هنر ایرانی جلب کرد. شاید به تقریب بتوان نقش فرهنگی استاد پیرنیا را در حوزه معماری به نقش فرهنگی و اجتماعی مرحوم دکتر علی شریعتی تشبیه کرد، زیرا او نیز توانست در فضای غرب‌گرای دانشگاه‌های کشور در آن دوران، توجه عده‌ای از جوانان علاقه‌مند را به اسلام جلب نماید، هر چند که ممکن است رویکرد ایشان از دیدگاه برخی از اندیشمندان جامع یا کامل نباشد. به همین ترتیب هنگامی که به نقش فرهنگی استاد پیرنیا اشاره می‌شود، طبیعی است که نباید انتظار داشت که ایشان در همه زمینه‌هایی که مطرح کرده‌اند، هیچ کاستی وجود نداشته باشد، زیرا داده‌ها و یافته‌های باستان‌شناسی و معماری در آن دوران بسیار اندک بود و طبیعی است که تحلیل ایشان متناسب با حجم اطلاعات موجود بود، و نه از ایشان و نه هیچ کس دیگر در حوزه علوم انسانی و هنرها نمی‌توان انتظار داشت که بسیار بیش‌تر از داده‌های زمان خود بتواند به تحلیل یافته‌ها بپردازد و چنان که آشکار است فرایند شکل‌گیری و توسعه دانش‌های انسانی و هنرها با فرایند شکل‌گیری و توسعه علوم تجربی متفاوت است، زیرا در عرصه علوم تجربی غالباً داده‌های بسیاری از طریق تجربی و آزمون به دست می‌آیند که به دیدگاه و رویکرد شخص پژوهشگر بستگی ندارد و می‌توان درستی یا نادرستی آن‌ها را از راه آزمایش‌های متعدد به اثبات رسانید، در حالی که بیشتر تحلیل‌ها در بسیاری از دانش‌های مربوط به عرصه علوم انسانی و هنرها مربوط و وابسته به دیدگاه شخص پژوهشگر است و طبیعی است که به داده‌ها و اسناد زمان پژوهشگر نیز وابسته است و به همین دلیل نیز بسیاری از آگاهی‌ها و تحلیل‌های

مباحث و پدیده‌های مربوط به علوم انسانی در طی زمان ممکن است دچار دگرگونی و تحول شوند. بنابراین تحول در برخی از علوم فرهنگی و انسانی در طی زمان را پدیده‌ای طبیعی می‌توان دانست و به معنی نقص یا اشکال در افراد لزوماً نیست، بلکه توسعه دانش انسانی و استاد و تحلیل‌ها می‌تواند موجب دگرگونی در تفسیرها و تحلیل‌ها شود، به عبارت دیگر ماهیت بسیاری از دانش‌های مربوط به حوزه علوم فرهنگی چنین است، برای مثال می‌توان به افلاطون و ارسطو اشاره کرد که همواره در بسیاری از کتاب‌های مربوط به تاریخ فلسفه غرب مورد توجه و اشاره قرار می‌گیرند و از آنان با احترام و نیکی یاد می‌شود، بدون این که کسی اندیشه‌های آنان را امروز به‌طور کامل قبول داشته باشد، زیرا آنان باید نسبت به زمان خود مورد ارزیابی قرار گیرند به نسبت به جهان امروز. به همین ترتیب نقد برخی از تحلیل‌های استاد پیرنیا به معنی بی‌احترامی به ایشان یا کم‌ارزش شمردن جایگاه و مقام ارزشمند ایشان در تاریخ معماری ایران نیست، به‌ویژه آن که اطلاعات و تحلیل‌هایی که ایشان درباره بسیاری از انواع فضاهای معماری و شهری ارائه داده‌اند؛ ارزشمند، سودمند و عالی است و به نظر می‌رسد که تنها دو تحلیل ایشان از معماری ایرانی قابل نقد و بررسی است، نخست اصولی را که ایشان به عنوان اصول معماری ایرانی مطرح کرده‌اند، و دوم سبک‌های معماری ایران که برخی از جنبه‌های آن قابل نقد و بررسی است. البته در سال ۱۳۷۴ که نخستین کنگره بین‌المللی معماری و شهرسازی ایران توسط سازمان میراث فرهنگی کشور برگزار شد، شماره‌ای از مجله آبادی (ش ۱۹، ۱۳۷۴) به بیان نظر گروهی از صاحب‌نظران درباره معماری ایران اختصاص یافت و اینجانب نیز در آن نشریه طی مقاله‌ای به‌صورتی روشن نقدی بر اصول معماری ایران که از سوی استاد پیرنیا مطرح شده بود، نوشتم. این مجله در زمان حیات استاد منتشر شد و ایشان نیز مقاله‌ای در همان شماره از مجله ارائه دادند. درباره نقد آثار ایشان دیگر متنی منتشر نکردم، زیرا متأسفانه در ایران نقد برخی از دیدگاه‌های یک پژوهشگر به‌ویژه در عرصه معماری بیش‌تر به معنی بی‌احترامی به یک شخص تلقی می‌شود و چون من استاد پیرنیا را دوست داشته و دوست دارم، نمی‌خواستم چنین احساسی در دیگران ایجاد شود. در این زمینه شاید بهتر باشد بگویم که

ایشان محبوب‌ترین استاد من از زمان دانشجویی تاکنون بوده است. به‌ویژه آن‌که گمان می‌کنم در برخی از زمینه‌ها مظلوم واقع شد و فکر می‌کنم که ایشان نسبت به بسیاری دیگر از افراد، خدمت شایسته‌تر و ارزشمندتری نسبت به شناخت معماری ایرانی در دوره معاصر کرد و نام او همیشه باید با احترام یاد شود.

شاید بی‌مناسبت نباشد که به نحوه آشنایی خود با ایشان اشاره کنم. یک سال پس از آن‌که در سال ۱۳۵۴ وارد دانشگاه تهران شدم، یعنی در سال ۱۳۵۵ افتخار شاگردی ایشان را داشتم و در سال ۱۳۵۶ به کمک چند نفر از دوستان هم‌دانشکده‌ای جزوه‌ای در ۱۴۰ صفحه از درس‌های ایشان همراه با مطالبی که از چند کتاب تاریخی و معماری به آن افزودیم، در دانشکده فراهم کردیم که توسط دانشکده تکثیر و منتشر شد. افزون بر کلاس درس، برخی اوقات در ساختمان سازمان ملی حفاظت آثار باستانی در خیابان لارستان به خدمت ایشان می‌رفتم و سؤالاتی که داشتم، از ایشان می‌پرسیدم و او با فروتنی به آن‌ها پاسخ می‌داد. ایشان بر کتابی که در سال ۱۳۶۵ با عنوان «مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران» نوشتم، مقدمه‌ای نوشتند. پس از آن نیز چند مرتبه به منزل ایشان رفتم و از دانش و آگاهی استاد استفاده کردم.

حدود یک دهه پیش، بعد از آن‌که کتاب «سبک‌شناسی معماری ایرانی» به کوشش همکار ارجمند جناب آقای دکتر معماریان منتشر شد، آن را خواندم و به سبب آن‌که به نظر می‌رسید که چند اشتباه مهم در آن وجود دارد و همچنین به علت موضوع اصول معماری ایران که در آن آمده و سبک‌شناسی معماری ایرانی که در آن مطرح شده بود، یادداشت‌هایی در نقد آن نوشتم، اما به سبب آن‌که متأسفانه به نظر می‌رسد که در جامعه معماری ایران، نقد از اندیشه‌ها و دیدگاه‌های یک شخص به عنوان نقد آن شخص یا بی‌احترامی به آن شخص تلقی می‌شود، از انتشار آن خودداری کردم، اما متأسفانه طی یک دهه همواره شاهد بودم که بسیاری از همکاران گرانقدر همین نکات را به دانشجویان یاد می‌دهند و آنان نیز مطالب را بدون بحث و بررسی حفظ می‌کنند و حتی جالب است که تقریباً حدود ده کتاب طی این مدت از سوی همکاران محترم منتشر شده که در آن‌ها اصول معماری

ایران و سبک‌شناسی استاد پیرنیا تکرار و نقل شده است و جالب آن که بارها در سؤال‌های آزمون دوره کارشناسی ناپیوسته و کارشناسی ارشد معماری از آن‌ها استفاده شده است، با وجود این طی این سال‌ها سکوت کردم تا این که در شهریورماه امسال [۱۳۹۰] همایشی به کوشش انجمن مفاخر معماری ایران و کانون فارغ‌التحصیلان معمار دانشگاه تهران در موزه حضرت امام علی (ع) برگزار شد که عده‌ای از همکاران گرانقدر و دانشجویان محترم در آن حضور داشتند. موضوع اشتباه بودن اصول معماری ایران و برخی از اشکالات وارد بر چگونگی طبقه‌بندی سبک‌های معماری ایرانی را بیان کردم، و اشاره کردم که بیان این نقد به مفهوم کم‌ارزش شدن جایگاه و مقام مرحوم استاد پیرنیا نیست، بلکه بیان اصول معماری ایران و سبک‌شناسی آن از سوی ایشان در دهه‌های پنجاه و شصت با توجه به اطلاعات و دانش موجود در آن زمان درباره معماری ایران، بسیار ارزشمند و عالی بوده است، اما هم‌زمان با گسترش اطلاعات درباره معماری ایرانی نیاز به تجدید نظر در برخی زمینه‌ها وجود دارد، البته این موضوع شامل نوشته‌ها و یادداشت‌های اینجانب نیز می‌باشد و اینک متوجه برخی از کاستی‌های نوشته‌های پیشین خود شده‌ام که امید است در آینده بتوانم در تجدید چاپ برخی آثار، آن‌ها را اصلاح کنم و بسیاری از آن‌ها نیز در آینده ممکن است با فراهم آمدن داده‌های بیش‌تر و دقیق‌تر رد، نقد و اصلاح شوند، زیرا مؤلف فرزند زمان خود است و اندیشه و عقل انسان‌ها متناسب با دانش جهانی و داده‌های محیطی می‌تواند توسعه یابد.

به هر صورت، پس از آن جلسه برخی از همکاران از من خواستند که یادداشت‌هایی را که حدود ده سال پیش بر کتاب «سبک‌شناسی معماری ایرانی» نوشته بوم‌شنسّر کنم که در کتاب آن را ملاحظه می‌کنید، نکته مهمی که اینک وجود دارد این است که این کتاب و سایر کتاب‌هایی که با نام استاد پیرنیا تدوین شده‌اند، با اطلاعات، نوشته‌ها، نقشه‌ها و داده‌های دیگران در هم آمیخته شده است و نمی‌توان هیچ‌یک از این‌گونه کتاب‌ها را به‌طور کامل به ایشان متعلق دانست و برخی از لغزش‌ها و اشکالات بعدها پدید آمده است و البته کم‌تر اتفاق می‌افتد که مطالب و آثار یک اندیشمند را به این ترتیب با یادداشت‌های دیگر

در هم آمیزند و شاید بهتر بود که استاد پیرنیا به صورت خالص به شکل استاد پیرنیا باقی می ماند و همه مقاله ها و یادداشت ها و نوشته ها و سخنرانی های ایشان بدون کم و کاست و افزایش منتشر می شد، همان گونه که حافظ، حافظ است، مولوی، مولوی است، پیرنیا، نیز پیرنیا باشد. چنان که نوشته های استاد پیرنیا درباره شیوه های معماری ایران در کتاب هنر هنرستان که در سال ۱۳۵۳ منتشر شد، تفاوت فراوانی با مطالب کتاب «سبک شناسی معماری ایرانی» دارد. به همین سبب تصمیم گرفتم برای این که دانشجویان و پژوهشگران ارجمند با متن قسمتی از نوشته های ایشان به صورت اصیل در این زمینه آشنایی داشته باشند، بخش اصلی نوشته ایشان از کتاب هنر هنرستان در پیوست آورده شود تا تفاوت متن اصلی نوشته های ایشان با آن که در کتاب سبک شناسی آمده است، قابل تشخیص باشد. افزون بر این برای آشنایی با مصاحبه ایشان در سال ۱۳۷۴ با مجله آبادی درباره اصول معماری ایران، متن آن نیز آورده شده است. درباره زندگی نامه و آثار ایشان نیز مقاله ای که در سال ۱۳۸۳ منتشر کرده ام و متنی که توسط نظام مهندسی استان یزد در شهریور امسال تهیه شده است، در پیوست آورده شده است. مقاله ای درباره نقش جغرافیا در شکل گیری انواع فضاهای باز در معماری سنتی ایران آورده شده تا طبقه بندی دیگری غیر از دسته بندی بناها به درون گرا و برون گرا نیز مطرح شود زیرا به نظر می رسد طبقه بندی دوگانه فوق جامع و کافی نیست و نمی توان انواع فضاهای معماری سنتی را به یاری آن با دقت بیش تری طبقه بندی کرد.

امید است که پژوهشگران محترم و همکاران ارجمند، به ویژه دوست گرامی جناب آقای دکتر معاریان و سایر همکاران و دوستانی که در زمینه معماری ایرانی تدریس می کنند، با نقد این نوشتار، مؤلف را از راهنمایی و دیدگاه های خود بهره مند کنند. به سبب آن که فصل اول و دوم کتاب به نقل مستقیم قسمت هایی از کتاب سبک شناسی معماری ایرانی و بررسی آن ها اختصاص یافته، به همین سبب برای سادگی ارجاع های درون متنی، فقط به شماره صفحه کتاب اشاره شده است و نام مؤلف و سال انتشار تکرار نشده است. مشخصات کتاب مورد استفاده چنین است:

پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۰) سبک‌شناسی معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معاریان، تهران، چاپ اول، انتشارات پژوهنده - معمار.
در پایان به روان پاک مرحوم استاد دکتر محمدکریم پیرنیا که همواره محبوب‌ترین استاد من بوده است، درود می‌فرستم.

حسین سلطان‌زاده